

امین امام و امت

حجت الاسلام سیداحمد خمینی 24 اسفند ماه 1324 در قم پای به پهنه هستی نهاد...



حجت الاسلام سیداحمد خمینی 24 اسفند ماه 1324 در قم پای به پهنه هستی نهاد.

وی دوره‌های تحصیل ابتدایی و متوسطه را در همین شهر به پایان رساند. سال‌های پایانی دوره دبیرستان او مصادف با قیام 15 خرداد 1342 شد؛ قیامی که سنگ بنای خیزش مردمی مبارزان مسلمان علیه حکومت پهلوی را بنا نهاد. سیداحمد پس از این رویداد تاریخ‌ساز به مانند پدر و اجدادشان مدرسه را به مقصد حوزه ترک گفته و به تحصیل علوم دینی و اسلامی پرداخت. 3 سال پس از این و بعد از تبعید امام خمینی (ره) در سال 1345 به عراق، وی مخفیانه برای دیدار ایشان عازم نجف اشرف شد و در همان جا عمامه را از دست پدر بر سر گذاشت و به جرگه روحانیت درآمد.

سیداحمد پس از آغاز طلبگی در این حوزه، چندی بعد به کشور برگشت و با ایجاد کانال‌های ارتباطی مطمئن و ایمن در میان عناصر انقلابی و رهبر انقلاب، به سازماندهی نیروهای فعال مذهبی و انقلابی پرداخت و ضمن انجام این فعالیت‌ها با جدیت تمام به کسب علوم و معارف دینی و اسلامی روی آورد. وی در طول دوران طلبگی و پس از طی دوره‌های مقدماتی و متوسطه حوزه، دروس سطوح عالی و خارج را نزد علمای بزرگی همچون آیت‌الله سلطانی (پدرهمسرشان)، آیت الله حاج مرتضی حائری و آیت الله شبیری زنجانی به پایان رساند. آنگونه که در مجموعه آثار یادگار امام و خاطراتی که مرکز اسناد انقلاب اسلامی در مورد یادگار امام (ره) آورده است دیده می‌شود.

در طول حدود 5 سال اقامت ایشان در نجف اشرف به واسطه اطمینان و اعتمادی که نسبت به ایشان وجود داشت نخستین مطلبی که از امام (ره) صادر می‌شد یا امام (ره) لازم می‌دیدند که آن کار باید انجام بشود، آن کار به دست ایشان سپرده می‌شد و البته در این مورد هم رابط‌هایی داشت.

ایشان از حوزه نجف اشرف با گرفتاری و مشکلات بسیاری مسائل مورد اهتمام امام (ره) را در قالب آلبوم‌ها، عکس‌ها، اعلامیه‌ها و نوارها به کشور می‌آوردند. البته گاهی اتفاق می‌افتاد نوار را همین طور می‌پیچیدند دور پاهایشان که بتوانند از مرز عبور کنند، بعد دوباره می‌آمدند این نوار کاست را درست می‌کردند. در همه این سال‌ها محور این کارها سیداحمد بود؛ یعنی اولاً هر چیزی که از امام (ره) صادر می‌شد حداقل یکی از مرکزهایی که بلافاصله دریافت می‌داشت و بلافاصله از آنجا در جامعه پخش می‌شد، خانه ایشان بود. البته این روند در طول سال‌های 1351 تا 1356 تداوم و تعمیق یافت و تقریباً هر چیزی که به نام حوزه طلاب منتشر شد، کاری بود که محورش ایشان بود.

معمولاً سعی می‌شد که به مناسبت 15 خرداد 1342 به عنوان محور اصلی قیام انقلابی مردم حتماً يك اطلاعیه‌ای داده شود. در طول این زمان هنوز حوزه‌علمیه آن تحرك لازم را پیدا نکرده بود به همین دلیل باز ایشان بودند که به تنهایی تحرك و توانایی يك حوزه علمیه را داشتند. به واقع می‌توان گفت که منحصربه‌فردترین و فعال‌ترین مرکزها که به نفع امام کار سیاسی می‌کرد و فعالیت داشت همین حلقه متمرکز سیداحمد بود.

مطمئن‌ترین مطالب راجع به امام (ره) نزد ایشان بود و تقریباً همه انقلابیون اگر دریافت‌هایی هم از امام (ره) داشتند، یکی از موارد به اصطلاح کنترل کردن آن که مال امام (ره) هست یا امام (ره) این را می‌خواهند، خود سیداحمد بود. در طول نزدیک به 5 سالی که ایشان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در نجف اشرف بودند از پرکارترین و خیرخواه‌ترین کانون‌هایی بود که در زمینه تداوم انقلاب اسلامی و ایجاد رابطه بین رهبری انقلاب و مردم و به اصطلاح فرماندهان این انقلاب تلاش می‌کرد.

به باور بسیاری از یاران انقلاب صفت ممتاز ایشان این بود که ارادت خالص و واقعی نسبت به امام (ره) و قصد خدمت به امام (ره) را داشتند. آن ملاک‌های نامناسب که بسیاری داشتند، ایشان نداشت. ایشان هم مثل هرکس دیگری ممکن بود اشتباه بکند اما اشتباه کردن چیزی است و اینکه آدم بخواهد از این انقلاب بهره شخصی بگیرد، چیز دیگری است که سیداحمد هیچ این قصد را نداشت، چرا که واقعاً ارادت به امام (ره) داشت و در این زمینه پسر امام (ره) نبود یعنی مرید و کسی بود که امام (ره) مقتدای او بود نه روی تعصب پدر و پسری، به خاطر اینکه احساس کرده بود که راه امام (ره) درست است.

سیداحمد پس از بازگشت به وطن و در سال 1356 برخی از همراهان ایشان توسط ساواک دستگیر شدند و ارتباط آنان با وی آشکار شد. به همین خاطر پس از اندک زمان اقامت بار دیگر مخفیانه ایران را ترک کرده و به نجف اشرف می‌رود. در همین سفر بود که مصیبت شهادت برادر بزرگوار ایشان، آیت‌الله سید مصطفی خمینی به وقوع پیوست اما ایشان به تأسی از پدر و پیر مقتدایشان این مصیبت را نعمتی الهی دانستند که برکات بی‌شماری دارد.

به ثمر نشستن مجاهدت‌ها و رشادت‌های مبارزان مسلمان در انقلاب اسلامی بالطبع برای ایشان هم همراه با مسئولیت‌هایی چند بود. چرا که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیداحمد نقش انقلابی، سیاسی و اجتماعی حساسی را ایفا کردند و در طول 10 سال پس

از انقلاب و دوران جنگ تحمیلی 8 ساله عراق علیه ایران نیز یاری وفادار و سربازي خدمتگزار برای امام(ره) و مردم بودند و در طول این سال‌های آشوبناک وظیفه خطیر اداره بیت رهبری را به دوش کشیده و تلاش داشتند تا همواره همیار و همراهی معتمد و مشاور و امین برای امام امت باشند.

در طول این سال‌ها بارها وی دست به افشاگری سیاسی و اقتصادی و اهداف پیدا و پنهان جریان زاییده‌دار با انقلاب اسلامی پرداختند. در یک نمونه از آن یادگار امام(ره) در نامه‌ای به آیت‌الله پسندیده، عموی خود با اشاره به درخواست وی برای آزادی یکی از ملی‌گراها، به برخی ویژگی‌های این جریان اشاره کرده و ضمن تأکید بر صحت دستخط امام(ره)، از آیت‌الله پسندیده می‌خواهد، این موضوع را تأیید کند. ایشان در این مکتوب خود به بسیاری از رفتارها و گفتارهای این جریان اشاره داشته و با صراحت می‌نویسد که آنان بعد از انقلاب لحظه‌ای در کنار امام(ره) نماندند. متک و فحش و ناسزا به امام(ره) از کارهای رایج این از خدا بی‌خبران بود. تنها یکی از کارهای آنها را برایتان می‌فرستم تا خود قضاوت فرمایید.

اینان اعلامیه‌ای را که امام(ره) با خط مبارکشان خطاب به آقای محتشمی نوشته‌اند، مجعول دانسته و در عین اینکه نسبت جعل را مستقیماً به من نداده‌اند ولی با قراردادن خط من بالای نامه امام(ره) به آقای محتشمی، جعل را از من دانسته‌اند و خطی از امام(ره) که شعر 171#& من به خال لب‌ت ای دوست گرفتار شدم را آورده‌اند و ادعا کردند که خط امام(ره) این است، در صورتی که امام(ره) در موقع قدم زدن شعر می‌گفتند و خط مذکور، خط امام(ره) در موقع راه رفتن و یا ایستاده است.

از این گذشته این قدر خط امام(ره) روشن است که احتیاج به این حرف‌ها ندارد. من یک صفحه از وصیتنامه امام(ره) و نامه مورد بحث را می‌فرستم، خود قضاوت فرمایید آیا من این قدر بی‌دین و بی‌عقل هستم که چیزی، آن همچنین مسأله مهمی را به امام(ره) نسبت دهم و از آتش قهر خدا در دنیا و آخرت نترسم. در آثاری که به زندگی یادگار امام پرداخته شده می‌خوانیم که:

جدای از این امر ایشان با طرح ساده‌زیستی در دو سطح فردی و سیاسی آن را یک فضیلت فردی و هم یک ضرورت سیاسی که برای سیاستمدار ضروری است، می‌دانستند. البته ریشه این امر به تربیت و تعلیم اسلامی ایشان برمی‌گشت که امام(ره) به واسطه ساده‌زیستی‌اش می‌توانست به راحتی با بسیاری از مسائل مقابله کند و همین هم یک الگوی تربیت اداره‌ای اسلامی بود؛ الگویی که تلاش داشته تا بگوید که اگر یک انقلابی ساده‌زیست نباشد و وابستگی اقتصادی یا فساد مالی یا سیاسی داشته باشد نسبت به منافع ملت بی‌تفاوت خواهد بود.

رحلت رهبر فقید انقلاب اسلامی در سال‌هایی که هنوز دردهای بی‌شمار دشمنان داخلی و خارجی در نخستین دهه از عمر انقلاب اسلامی تسکین نیافته بود، آلام ایشان را دوچندان ساخت. اما دست‌پرورده مکتب حسینی و یادگار خمینی بی‌هیچ مسئله‌ای به پیروی از رهبری آیت الله خامنه‌ای پرداخته و تمام همت خویش را صرف پاسداشت یادمان‌ها و یادگارهای رهبرکبیر انقلاب داشتند. این مجاهدت‌ها در پاسداری از ارزش‌های امام(ره) و انقلاب تا آخرین روزهای حیات ایشان تداوم یافت تا در رنج بیماری و روزهای پایانی سال 1373 یادگار امام(ره) به سوی پدر و پیر خویش در شامگاه 25 اسفند هجرت کنند.

از ولادت تا تحصیل علوم دینی، مبارزات انقلابی و سیاسی، همراه و همراه امام‌خمینی(ره)، تلاش در راه تثبیت انقلاب اسلامی و از رحلت امام(ره) تا درگذشت خود ایشان، پرده‌هایی پنج‌گانه از حیات و ممات یادگار امام امت است؛ پرده‌هایی که با بازخوانی و بررسی هر یک از آنها می‌توان نقش بی‌بدیل ایشان را در هر یک از این مقاطع حساس و سرنوشت‌ساز به خوبی درک کرد.

تمرکز بر فعالیت‌ها و نقش کلیدی سیداحمد در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور در زمان حیات امام‌خمینی(ره) که بدون هیچ‌گونه جهت و سمت سیاسی می‌گرفت بر هیچ کسی پوشیده نیست. ارتباط سیداحمد خمینی با مسئولان سیاسی کشور و نقش وی در تصمیم‌گیری‌ها همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بوده است، تعاملات و ارتباطاتی که تاکنون در پردازش به زندگی ایشان کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

سیداحمدخمینی مورد اعتماد و اطمینان خاص امام‌خمینی(ره) بوده و ایشان بارها در بیانات خود بر امین بودن ایشان تأکید داشته‌اند. همچنین مقام معظم رهبری نیز در یکی از بیانات خود درباره وی تأکید کرده‌اند که سیداحمد چشم‌تیزبین نظام اسلامی و مشاور امین برای حضرت امام(ره) بوده است.

منابع :

- 1- مجموعه آثار یادگار امام(ره)، جلد اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی(ره).
- 2- خاطرات سیدمحمد خاتمی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

همشهری آنلاین- ارسلان مرشدی